

ابوطالب مقیمی



فریدون تیمائی
موزه دار موزه هنرهای ملی

شیشه‌هایش می‌شکست ، باحال تأثر و حوصله‌ای زایدالوصف ، قطعات شکسته را از نظر رنگ جور و نقایص آنرا رفع می‌نمود و همچنین از کاشیهای قدیمی گل و بوته‌دار که با آنها کف زیرزمین منزلشان مفروش شده بود ، استفاده می‌کرد و از همه‌ی آن نقشها کپی بر میداشت .

برادران وی در مدرسه بتعلیم خط و نقاشی اشتغال داشتند ، و او نیز گاهگاهی به این تعلیم چشم می‌دوخت و از این رهگذر تمتعی مشتاقانه می‌گرفت . این میل و کشش وجودش را طوری احاطه کرده بود که سرانجام پدرش وسایل کار نقاشی وی را فراهم ساخت .

ابوطالب در عین حال که نگارگر خوبی بود ، از موسیقی نیز لذت می‌برد و چون آوایی گرم و دلنشین داشت از صوت خود در کلاس قرائت قرآن استفاده می‌کرد و آیات قرآن را بالحنی خوش تلاوت مینمود ، و بارها مورد توجه دبیر مربوط قرار گرفت . از تمام لحن‌ها و مایه‌ها و گوشه‌های آواز با اطلاع بود و اشعار عارفرا از بر داشت . در ضمن از صفحات آواز هنرمندان وقت (ابوالحسن خان اقبال السلطان ، قربان خان ، شاهزاده ظلی ، طاهرزاده وغیره) تا آنجا که توانایی داشت خریداری می‌نمود و برای تکمیل اطلاعات فنی خود در رشته موسیقی مدت‌زمانی تحت نظر استاد علینقی وزیر سولفر تعلیم گرفت .

ابوطالب حتی بعد از فوت پدرش در اخذ تصمیم برای ادامه کار در یکی از رشته‌های مورد علاقه‌اش (خطنویسی - موسیقی - نقاشی) مدتی مردد و متحیر بود ، زیرا استعداد خود را در فرا گرفتن هر سه رشته از هنر مساعد می‌دید . سرانجام تصویرنگاری را بر سایر رشته‌ها ترجیح داد .

این بار در این ماهنامه از هنرمندی صحبت میداریم که در تلاش شبانه‌روزی خود همیشه از طبیعت الهام گرفت و در این راه بسی رنج برد و سرانجام در طبیعت‌نگاری پیروز گردید . هنرمندی است که طبیعت‌نگاری را با تجسم حوادث تاریخی ایران در قالب مینیاتور ریخت .

هنرپژوهان با ذوق از رؤیت آثارش با دراکات و احساسات او آشنا میشوند و در همه حال و همه وقت آن پدیده‌های زیبا را که در موزه هنرهای ملی گردآوری شده است بدیده احترام خواهند نگرست .

ابوطالب مقیمی تبریزی در سال ۱۲۹۱ شمسی در تهران پابصره وجود نهاد . پدرش حاج محمدحسین از تجار معروف آذربایجان در قسمت قماش بود . وی (پدرش) در خط نویسی دست داشت و در بین تجار و صاحبان ذوق بخوش خطی شهرت داشت . بعضی از کتب قدیمی را که مورد علاقه‌اش بود با خطی خوش می‌نوشت و بنام شیوه‌های خطوط فارسی ، آشنایی داشت . حاج محمدحسین دارای هشت فرزند بود که ابوطالب در بین برادرها از همه کوچکتر بود . برادرانش در رشته‌های خط و نقاشی استعداد داشتند و بدین ترتیب می‌توان گفت که ابوطالب در يك محیط هنری پرورش یافت .

وقتی که چهارساله بود از مشاهده‌ی پوشش رنگی پارچه‌هایی که سفارش پدرش از ممالک خارجی به ایران آورده میشد ابراز شادمانی و سرور می‌نمود . منزلی که در آن ساکن بودند طرحهای بسیار قدیمی داشت ، آرسی‌های آن با قطعات کوچک و بزرگ شیشه‌های رنگین تزیین بود . ابوطالب اکثر اوقات خود را صرف تماشای آن میکرد ، احیاناً اگر بعضی از

مقیمی در این مدت کوتاه توانسته است هنرجویان با استعدادی را بجامعه هنر ایران معرفی نماید که هر کدام بعد از اتمام تحصیلات خود در رشته اختصاصی مینیاتور به تشکیل نمایشگاههایی موفق شده‌اند. از کارهای مقیمی تاکنون در نمایشگاههای سایر کشورهای جهان مثل ترکیه - افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی شرکت داده شد و مورد توجه شدید مقامات هنری قرار گرفت. اینک میپردازیم به تحلیل نمونههایی چند از کارهای ابوطالب مقیمی که در موزه هنرهای ملی در معرض تماشای مردم نهاده شده است.

تابلوی «صحنه پذیرایی شاه طهماسب در زیر چادر و استقبال او از پادشاه هند» که هنرمند از داستان تاریخی «پناهنده شدن پادشاه هند به ایران در عهد شاه طهماسب^۲» الهام گرفته است، نشان میدهد که بیشتر توجه نقاش به شاه طهماسب و پادشاه هند که در وسط تابلو قرار گرفته‌اند معطوف شده است، بقیه اشخاص در دورنمای تابلو نشان داده شده‌اند. در این صحنه هنرمند از فن پرسپکتیو استفاده کرده و بدین طریق کار او تا اندازه‌ای از سنن قدیم نقاشی ایران خارج شده و شیوه جدیدی را نمایان ساخته است (شکل ۱). صورت‌های هندی و ایرانی از نظر رنگ چهره و فرم لباسها متفاوت نقش شده‌است و هر بیننده با ذوقی این تبحر و ظرافت را از رؤیت اصل تابلو دریافت خواهد کرد. در يك طرف صحنه سر پرده‌ایست باشکوه آفتاب‌گیر پر نقش و زیبایی جلب نظر مینماید، ملترزمین بالباسهای فاخر در جلو سر پرده بانتظار ایستاده‌اند. جایگاه باشکوهی که برای پادشاه هند در نظر گرفته شده در گوشه‌ای جلب نظر میکند که با نقوش زیبایی خاتم تذهیب گردیده است.

سفره‌ای که در وسط صحن گسترده شده با اغذیه گوناگون و انواع میوه‌ها مملو گشته است و آن قابلهایی که با طرحی زیبا بافته شده بزیناترین وجهی خود نمایی میکنند و بالاخره آن گل‌های خوشرنگی که در لبه رودخانه در زیر صحنه جلوه‌گری مینمایند

۱ - هادی تجویدی (۱۳۱۸-۱۲۷۲) که شرح زندگی او در نشریه‌های پیشین هنرهای زیبا بطبع رسیده است یکی از برجسته‌ترین هنرمندان معاصر در رشته مینیاتور محسوب میشود. زادگاه او شهر هنرپرور اصفهان بوده است و او در سال ۱۲۹۵ زمانی که ۲۳ ساله بود در مدرسه‌ی کمال‌الملک تحت تعلیم استاد بزرگ نقاشی کمال‌الملک قرار گرفت و بسبب ذوق و شوقی که در این فن از خود ابراز میداشت همیشه مورد تشویق و تقدیر استاد قرار میگرفت. وی در خاتمه تحصیلات از وزارت فرهنگ دیپلم عالی‌هنر دریافت نموده است. از آثار ارزنده آن استاد ارجمند یکی کمپوزیسیون سلطان محمود و فردوسی شاعر ملی است که در مجموعه آثار خانوادگی محفوظ است. چند اثر دیگر از جمله تمثال‌اعلی حضرت همایونی در زمان ولائعهدهی و نیرمخ رضاشاه کبیر و بالاخره تابلوی حضرت یوسف و یعقوب آخرین اثر وی که بعثت فرار سیدن مرگ نابهنگام نیمه‌کاره مانده است تمام این آثار چون انواری درخشان در گوشه و کنار موزه هنرهای ملی پرتوافکن است.

ابوطالب ۱۸ ساله بود که وارد مدرسه کمال‌الملک شد، وی نقاشی طبیعت‌سازی را تحت تعلیم استادانی نظیر اسماعیل آشتیانی - محمدعلی حیدریان - حسین شیخ و علی رخساز فراگرفت و سپس وارد هنرستان عالی هنرهای ایرانی گردید. هنرستان مزبور در آن سال بنا به امر رضاشاه کبیر که عصر او از لحاظ تجدید و احیاء هنرهای ملی ایران یکی از دوره‌های درخشان تاریخ هنر ملی ما محسوب میشود افتتاح گردیده بود. در ابتدای تشکیل برای تعیین استاد نقاشی مسابقه‌ای در رشته‌های مینیاتور - تذهیب - نقشه‌قالی و نقشه‌کاشی ترتیب داده شده بود، که سرانجام آقای هادی تجویدی^۱ در رشته مینیاتور رتبه اول را جایز شد و در همان سال با سمت استاد مینیاتور بتدریس در آن هنرستان اشتغال ورزید.

شوق و ابتکار و ظرافت و پختگی کارهای ابوطالب موجب گردید که مورد توجه استاد قرار گیرد و سرانجام وی را بادامه رشته مینیاتور پای‌بند سازد.

سه سال گذشت و ابوطالب توانست دیپلم‌نهایی را دریافت دارد. وی همانگونه که از تجارب هنری و قدرت خلاقه استادان خود بهره‌می‌گرفت، اوقاتی را نیز بصورنگاری از شخصیت‌های بزرگ مصروف میداشت، بطوریکه با ترسیم تابلویی از صورت رضاشاه کبیر روی عاج و تقدیم آن ب دربار شاهنشاهی مورد تقدیر قرار گرفت.

وی هفته‌ای سه روز با سمت هنرآموز در هنرستان مزبور بتدریس اشتغال داشت و ضمناً در مواقع فراغت تابلوهایی بس ارزنده برای موزه نقاشی میکرد که هنوز چند نمونه از آن در موزه هنرهای ملی باقی مانده است.

مقیمی علاقه مفراطی بمسافرت داشت، صفا و آرامش را در سکوت و طبیعت احساس میکرد. شکی نیست که اکثر هنرمندان مشتاق این رویه‌اند. ابوطالب هم این امکانات را در زندگی می‌سنجید و طالب واقعیت آن بود همین تمایلات و کشش که تا حد ایده‌آل به جلو رانده شده بود باعث گردید او محیط هنرستان را مدت زیادی ترک کند و بکار آزاد تن در دهد. ۲۵ سال باین کار ادامه داد. از آنجاکه سازمان هنرپرور هنرهای زیبا در گوشه و کنار مملکت همیشه در جستجوی هنرمندان اصیل است تا هنر آنها را بجامعه معرفی کند، مقیمی را از تصمیمی که اتخاذ نموده بود منصرف ساخت و بسوی خود جلب کرد.

هم‌اکنون ابوطالب مقیمی ۶ سال است که در هنرستان‌های وابسته به هنرهای زیبا با سمت استاد مینیاتور بتعلیم نقاشی می‌پردازد و فی‌المال این تدریس فقط به هنرستان پسران معطوف شده است.

آثار مقیمی در سال ۱۳۳۷ ضمن اشیاء هنری سایر هنرمندان معاصر کشور به نمایشگاه جهانی سال ۱۹۵۸ بروکسل ارسال گردید و بر بوند مدال و دیپلم (Grand Prix) نایب آمده است.



شکل ۱ - استقبال شاهطهماسب از پادشاه هند

سحرآمیز نقاش صحنه‌ای را بوجود آورده که هر بیننده‌ای آن سکوت دل‌انگیز شب را در آن وادی دور دست بخوبی احساس می‌نماید.

گویی نقاش آن احساس شادمانی را که در قلب منبژه جرقه می‌زد بصورت ستارگانی درخشان در آسمان تیره دل او جلوه‌گر ساخته است. هنرمند با وجود آوردن این نقش در حقیقت آن احساسی را که از شاهنامه اندوخته است به بیننده انتقال می‌دهد.

در اطراف موضوع نیز از داستانهای مربوط به دلاوریهای

گویی بیابان «فردیه» را سکوتی مطلق فرا گرفته تمام ملتزمین و رجال با توجه مخصوص صحنه ملاقات را نظاره می‌کردند تا شاه‌هند از اسب پیاده شد و شاهطهماسب نیز از سرپرده بطرف او حرکت کرد و بوجه شایسته‌ای با او ملاقات و او را در آغوش گرفته بطرف سرپرده هدایت نمود. و بهترین پذیرایی شاهانه را درباره وی مبدول داشت. شاهطهماسب می‌خواست طوری وانمود کند در تمام مدتی که شاه‌هند در ایران میهمان است تألم شکست بخاطر او راه نیابد. البته این صفت اغلب شاهان ایران زمین بوده است.

سرانجام پس از مدت‌ها که میهمان پادشاه ایران بود با کمک وی با سپاه فراوان به هندوستان رفت و سلطنت از دست‌رفته را دوباره بدست آورد. در این باره رجوع شود به تاریخ عالم‌آرای عباسی. جلد اول صفحه ۷۳.

من حیث المجموع اثری است ارزنده و ممتاز که از کارهای اخیر هنرمند محسوب می‌گردد.

تذهیب اطراف موضوع توسط عبدالله باقری از هنرمندان تذهیبکار تکمیل گشته است.

داستان رستم و بیژن که ملهم هنرمند شاهنامه فردوسی بوده در متن بیضی (شکل ۲) نقش شده است، رستم را سرچاهی نشان می‌دهد که بیژن یکی از دلاوران شاهنامه را از چاه بیرون میکشد، منبژه دختر افراسیاب نیز در گوشه‌ای باین حادثه چشم دوخته است. آسمان پرستاره که ماه هم زیور آن شده با قلم

۲ - در سال ۹۵۱ هجری در هندوستان یکی از مدعیان وقت بنام شیرخان افغان که مدعی تاج و تخت، نصیرالدین محمد همایون پادشاه هندوستان بود بنای مخالفت را گذاشت، او بعد از گردآوری قوا و نیرو، آتش جنگ را برافروخت و چون برادران وی نیز مخالف بودند در نتیجه همایون شاه در این نبرد شکست خورد و ناگزیر شد با چهل نفر از ملازمان مخصوص خود از راه سیستان بطرف ایران حرکت کند و بشاه طهماسب پناه آورد. وقتی پادشاه ایران اطلاع یافت، بحکام ولایاتی که در سر راه بودند احکام فرستاد که همه جا بطور شایسته از وی پذیرایی کنند. بالاخره همایون شاه از راه هرات با همان هیئت درباری با ملازمان خود وقتیکه شاهطهماسب در چمن (فردیه) نزدیک قزوین اردو داشت پناه آورد. شاهطهماسب امر اعیان را باستقبال وی فرستاد تا بمعیت هم بازگردند.



شکل ۲ - رستم در حال بیرون آوردن بیژن از چاه



شکل ۳ - یکی دیگر از کارهای مینیاتور آقای مقیمی

که بیک نظر میتوان دریافت که همه این ذوق و کوشش‌ها فقط در تذهیب و تزیین جامه‌ها مصروف گشته است. در دورنمای تابلو باغستان انگور با همان طراوت و سرسبزی مشاهده میشود و دخترانی که با جامه‌های ارغوانی خود در کمال شادی و سرور بچیدن انگور سرگرم‌اند ساختمان یک مسجد با گنبد پرشکوهش از دور پدیدار است. منظره آن چوپان با گوسفندانش در دامنه سرسبز و آهوانی که در کمرکش کوه ایستاده‌اند و آن لک‌لک‌هایی که از دور در پروازند و بالاخره آن آسمان لاجوردی‌رنگ با ابرهای پراکنده‌اش در خلال آن تصاویری مبهم گنجانده شده‌است. همه این نقشها من حیث المجموع در یک صفحه مجسم گشته و از کارهای پرارزش هنرمند در چند سال اخیر محسوب میشود. تابلوی مزبور در مجموعه خانوادگی محفوظ میباشد. در تابلوی «شیخ صنعان و دختر ترسا» نشان میدهد که شیخ بخاطر دختر ترسا شراب می‌نوشد، وسایل عیش و طرب مهیا گشته‌است. در دست جمعی از دختران نیز دایره و عود دیده

رستم و سایر پهلوانان شاهنامه با خطوط طلائی نقاشی شده‌است. در بالای تابلو نیز صورت فردوسی شاعر حماسه‌سرای ملی نمودار میباشد.

بعضی از ابیات نیز الهام‌بخش هنرمند بوده‌است مثلاً تک‌بیتی^۳:

بهین شرافت میخانه‌ی مرا ای شیخ

پس از خراب‌شدن خانه خدا گردد

که بروایتی توسط اعتضادالسلطنه (وزیر علوم و معارف وقت) سروده شده آنطور که نقاش درک کرده در تابلو نمایانده شده است (شکل ۳).

صورت‌ها در کمال حسن و زیبایی خلق شده‌است، آن جامه‌هایی که با طرح زیبای اسلیمی و گل و بوته‌ها و نقش سیمرغ و گل‌های شاه‌عباسی مزین گشته نشانه‌ایست از ذوق و استعداد که با کارهای مشابه هنرمند قابل مقایسه نیست. و اینقدر این نقشها در عین پختگی رنگ، ظریف و دقیق طرح‌ریزی شده‌است،



شکل ۵ - نمونه‌ای از کارهای آقای مقیمی



شکل ۴ - شیخ صنعان و دختر ترسا

تابلوی تك صورتی ساقی که در متن بیضی نقاشی شده یکی از آثار اولیه هنرمند است . رنگ جامه قرمز آجری است که بانقش حیوانات و گل و بوته برنگ طلایی تزیین یافته است . در اطراف نقش بیضی (تشعیر) شکارگاه و نقش حیوانات با خطوط طلایی رنگ ترسیم گشته است (شکل ۵).

میشود جامه‌ها نیز پر نقش‌اند ، جمعی دورتر زیر درختی بعیش و طرب مشغولند، چادری پر نقش و نگار در پشت تپه‌ای نمایان است. منظره کوه و درخت که زیباترین پرندگان در شاخه‌های آن نشسته‌اند ، اثری است جالب ، که توسط هنرمند در سال ۱۳۱۶ نقاشی شده است (شکل ۴).

موکول میکند ولی چون ساختمان مسجد رو بانمام بود بدستور خود محل مزبور را خراب و آن را بمسجد ملحق مینماید . بعداً بیت فوق را خود سروده و دستور میدهد آنرا کتیبه نمایند و در همان محل نصب کنند ولی امروز در اثر تعمیر و تغییرات این کتیبه از بین رفته است .

۳ - « به بین شرافت میخانه مرا ای شیخ

پس از خراب شدن خانه خدا گردد »

مرحوم اعتضاد السلطنه شاهزاده علیقلی میرزا پسر فتحعلیشاه قاجار، در زمان ناصرالدین شاه وزیر علوم و معارف بوده است . شاهزاده خانه‌ای داشت در پشت مسجد شیخ عبدالصنین تهرانی که امروز به مسجد آذربایجانیها معروف شده است ، شاهزاده این منزل را محل عیاشی و میگاری خود قرار داده بود . موقعیکه مرحوم شیخ ساختمان مسجد را با تمام میرساند متوجه میشود که دیوارمقابل کعبه و مسجد محتاج به محراب میباشد . برای رفع این نقایص لازم بنظر میرسد که محل عیاشی شاهزاده خراب و بمسجد ملحق گردد شاهزاده اجرای این تصمیم را به بعد

۴ - از روی داستان شیخ صنعان از هنرمندانی مثل علی کریمی و حاج مصورالملکی نیز تابلوهایی در موزه موجود است که هر کدام باشیوه خاصی موضوع را مجسم نموده‌اند ، و از آن میان از علی کریمی سه تابلو و حاج مصورالملکی یک تابلو در موزه هنرهای ملی بیادگار باقی مانده است .